حمایت اجتماعی و سازگاری زناشویی در زنان متقاضی طلاق

هراله جلالی: دانشجوی کارشناسی ارشد مددکاری اجتماعی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی. harale_69@yahoo.com

حمیده عادلیان راسی*: استادیار گروه مددکاری اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی. hadelyan@yahoo.com

واژگان کلیدی

حمایت اجتماعی

سازگاری زناشویی

زنان

طلاق

چکیده

مقدمه: سازگاری زناشویی نقش اساسی و مهمی در وقوع پدیده طلاق ایفا می‌نماید. چنین به‌نظر می‌رسد که طلاق نتیجه کاهش سازگاری زناشویی می‌باشد. پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه حمایت اجتماعی با سازگاری زناشویی در بین زنان متقاضی طلاق مراجعه کننده به دادگستری شهرستان پاوه انجام شده است.

روش: جامعه‌آماری تحقیق شامل همه زنانی است که از ابتدای سال ۱۳۹۳ به‌منظور تقاضای طلاق به دادگستری شهرستان پاوه مراجعه نموده‌اند و پرونده طلاق آنان تا زمان انجام پژوهش (آذرماه ۱۳۹۴) در دادگستری شهرستان پاوه در جریان بوده است و حجم نمونه با استفاده از روش نمونه‌گیری تمام شماری ۷۲ نفر به‌دست آمد. اطلاعات اعضای نمونه با استفاده از پرسشنامه‌های حمایت اجتماعی فیلیپس-SSA (۱۹۸۶) و سازگاری زناشویی اسپانیر-DAS (۱۹۸۶) به‌ترتیب با اعتبار و روایی ۰/۹۰ و ۰/۹۶ به‌روش همبستگی جمع‌آوری گردید. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS18 و بهره‌گیری از آزمون‌های آماری پیرسون، اسپیرمن و تحلیل رگرسیون چند متغیره انجام گردید.

نتایج: نتایج پژوهش نشان داد که رابطه معنادار مثبتی بین حمایت اجتماعی و سازگاری زناشویی وجود دارد و حمایت اجتماعی ۲۳٪ از تغییرات واریانس سازگاری زناشویی را پیش‌بینی می‌کند. از بین متغیرهای دموگرافیک، تحصیلات و درآمد با حمایت اجتماعی رابطه معنادار مثبت داشته و همچنین بین سن ازدواج، مدت زندگی مشترک، تعداد فرزند و درآمد همسر با سازگاری زناشویی ارتباط معنادار مثبت و بین تحصیلات و درآمد با سازگاری زناشویی ارتباط معنادار منفی مشاهده شد.

بحث و نتیجه‌گیری: در نهایت این مطالعه به سیاست‌گذاران و متخصصین حرفه‌ای در حوزه مددکاری اجتماعی کار با زنان و خانواده‌ها پیشنهاد می‌کند که در برنامه‌ریزی سیاست اجتماعی و مداخلات مرتبط در حوزه سلامت به نقش حمایت اجتماعی در سازگاری زناشویی توجه نموده و از آن استفاده نمایند.

* نویسنده مسئول

نوع مطالعه: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۳۹٤/۰۹/۰٤

تاریخ پذیرش: ۱۳۹٤/۱۱/۲۵

نحوه استناد به مقاله: هراله جلالی و حمیده عادلیان راسی. حمایت اجتماعی و سازگاری زناشویی در زنان متقاضی طلاق. فصلنامه مددکاری اجتماعی، ۱۳۹٤؛ ٤ (٤): ۱٦-۰۵

[Downloaded from socialworkmag.ir on 2026-02-14]

Social Support and Dyadic Adjustment Among Women Applicants for the Divorce

Haraleh Jalali: M.A. student of social work, department of social work university of social welfare and rehabilitation sciences. harale_69@yahoo.com

Hamideh Addelyan Rasi*: Assistant professor department of social work, faculty of social sciences Allameh Tabataba'i university. hadelyan@yahoo.com

Abstract

Introduction: Dyadic adjustment plays a vital role in incidence of divorce. It seems that divorce is the result of decreased dyadic adjustment. This study aimed to assess the association between social support and dyadic adjustment among women applicants for the divorce in Paveh administration of justice.

Methods: Statistical population in this research included all women applicants for the divorce in Paveh administration of justice that they applied from March 2015 and their cases were under the procedure until caring out this study, December 2015. We considered all population in the study as the sample and they were 72 women. Spanier Dyadic Adjustment Scale and Philips Social support questionnaire were used to collect the data. We used SPSS18 to analyze the data through Spearman, Pearson and multivariate regression tests.

Results: The study showed that there was a significant positive correlation between social support and dyadic adjustment. Social support predicted 23% of changing variance of dyadic adjustment. There is also a significant positive correlation between education, income, the age of marriage, spousal lifetime, the number of children, and spouse's income with social support. There is a significant negative correlation between education and income with dyadic adjustment.

Conclusions: In conclusion, the study suggested social work practitioners and policy makers in working with women and families to consider the role of social support in dyadic adjustment through social policy planning and health-related interventions.

Keywords

Social Support

Dyadic Adjustment

Women

Divorce

*Corresponding Author

Study Type: Original
Received: 25 Nov 2015
Accepted: 14 Feb 2016

Please cite this article as follows: Jalali H and Addelyan Rasi H. Social support and dyadic adjustment among women applicants for the divorce. Quarterly journal of social work. 2015; 4 (4); 5-16

[Downloaded from socialworkmag.ir on 2026-02-14]

مقدمه

خانــواده به‌عنــوان یکی از اصلی‌ترین نهادهــای اجتماعی می‌تواند نقش تعیین کننده‌ای در ایجاد یک جامعه ســالم و متعاقب آن کارکردهای مثبت در نظام اجتماعی و ســلامت روانی انســان‌ها داشــته باشد. یکی از معضلات مهم خانواده پدیده‌ای به نام طلاق اســت. طلاق در لغت به معنای رها شــدن از عقد نکاح و پدیده‌ای است قراردادی که به زن و مرد امکان می‌دهد تا تحت شرایطی، پیوند زناشویی خود را گسیخته و از یکدیگر جدا شوند. [۱]

طلاق در زمان حاضر به تدریج به بحرانی تبدیل شده است که کانون خانواده را تحت شعاع قرار می‌دهد و به دنبال آن مشــکلات متعددی از لحاظ اقتصادی، اجتماعی و روانی بــرای خانواده‌ها به‌خصوص برای فرزندان به‌وجود می‌آورد. [۲] براســاس آمار رســمی در ایران از هر ۱۰۰۰ مورد ازدواج، حدود ۲۰۰ مورد به طلاق منجر می‌شــود و ایران، چهارمین کشورجهان از نظرمیزان نسبت طلاق به ازدواج معرفی شده است. [۳] آمارهای وقایع حیاتی سازمان ثبت احوال کشور نشان می‌دهد که در سال ۱۳۶۵ در برابر ۳۴۰۳۴۲ ازدواج ، تعداد ۳۵۲۱۱ طلاق در کشور به ثبت رسیده است. این آمار در ســال ۱۳۷۵ به ۴۷۹۲۶۳ ازدواج در برابر ۳۷۸۱۷ طلاق رســیده است. آمارها نشان می‌دهد نسبت ازدواج به طلاق در سال ۱۳۶۵ در کل کشور ۹/۰۹ بوده است یعنی در مقابل ۹/۰۹ ازدواج یک واقعه طلاق نیز به ثبت رسیده اما این نسبت در سال ۱۳۸۵ به ۸/۲ و در سال ۱۳۹۲ به ۵ رسیده است. [۴]

در بررسی وضعیت طلاق در طی سال‌های گذشته مشاهده می‌کنیم که استان کرمانشاه همواره رتبه‌های چهارم و پنجم کشوری از نظر میزان طلاق را دارا می‌باشد و شهرستان پاوه همواره رتبه اول تا سوم را در کل استان از نظر میزان طلاق داشته است. در شهرستان پاوه در سال ۱۳۹۲ در مقابل ۹۳۳ ازدواج ثبت شده ۲۳۹ واقعه طلاق به ثبت رسیده است. نسبت ازدواج به طلاق در اســتان کرمانشــاه در ســال‌های ۱۳۹۰، ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ به ترتیب ۵/۶، ۵/۲ و ۴/۵ بوده است و همین نسبت در شهرستان پاوه در سال‌های ۱۳۹۰، ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ به ترتیب ۵، ۵ و ۳/۹ می‌باشد. [۴]

ســازگاری زناشــویی از نکات مهم و قابل توجه در وقوع پدیده طلاق اســت و به نظر می‌رســد طلاق نتیجه کاهش سازگاری زناشویی باشد. سازگاری زناشویی، خود با علل و عوامل مختلف فردی، خانوادگی و اجتماعی در ارتباط است. امروزه زوج‌ها برای برقراری ارتباط و حفظ رابطه صمیمانه مشــکلات شــدید و فراگیــری را تجربه می‌کنند و در واقع مشــکل ناسازگاری زناشــویی بیش از هر مقوله دیگر سبب ارجاع و دریافت خدمات روان درمانی، مشاوره و مددکاری اجتماعی است. [۵]

کلی (۱۹۹۲) و نولر (۱۹۹۷) با بررسی زوج‌های در حال طلاق، به این نتیجه رسیدند که عدم سازگاری زناشویی ، فقر روابط، عدم رضایت زناشــویی ، بیماری روانی و مشــکلات عاطفی، بروز طلاق را افزایش می‌دهد. طبق نظر گورمن (۱۹۷۵) مشــکلات زناشویی، در پیوستار سازگاری زناشــویی پس و پیش می‌روند و به‌عنوان انعکاسی از عناصر تعاملی تجربه انسانی به‌حساب می‌آیند. [۶]

مطالعه‌ای توسط فروغان فر (۱۳۸۵) با نمونه ۹۳ نفری از دانشجویان متأهل (۴۹ زن و ۴۴ مرد) انجام گرفت که نتایج آن نشــان می‌دهد بین روش‌های حل مسأله و سازگاری زناشویی رابطه معناداری وجود دارد. [۱۴] پژوهش امینی‌ها (۱۳۸۴) تحت عنوان "رابطه بین هوش هیجانی و سازگاری زناشویی" در بین نمونه‌ای ۲۴۹ نفری از دبیران زن و مرد متأهل شهر تهران، نشان داد، بین هوش هیجانی و سازگاری زناشویی رابطه معناداری وجود دارد. [۱۵] عربیان (۱۳۸۹) طی مطالعه‌ای بر روی ۲۴۵ نفر از معلمان زن و مرد متأهل مقاطع راهنمایی و دبیرستان شهرستان آران و بیدگل، نشان داد، بین باورهای ارتباطی و ســازگاری زناشــویی رابطه معناداری وجود دارد. نتایج وی همچنین تفاوت معناداری در سازگاری زناشویی در بین زنان و مردان نشان می‌دهد. [۶] معصومی(۱۳۸۹) در پژوهشی روی دبیران متوسطه شیراز (۳۲۴ نفر) به این نتیجه رسید که بین سخت رویی،کنترل، تعهد و مبارزه‌جویی با سازگاری زناشویی رابطه معنادار وجود دارد. وی همچنین نشان داد که بین سازگاری زناشویی زنان و مردان تفاوت معنادار وجود دارد. [۱۶] تحقیقات بسیاری نشان می‌دهد که حمایت اجتماعی بر سازگاری عاطفی، سازگاری آموزشی و سازگاری اجتماعی اثر مستقیم دارد. [۹، ۱۹-۱۷]

وینتر و همکارانش (۲۰۱۱) طی پژوهشی برروی حمایت اجتماعی و سازگاری در یک نمونه‌ی ۶۰۰ نفری از دانشجویان سال اول شش دانشگاه کانادا، دریافتند که بین حمایت اجتماعی و سازگاری تحصیلی دانشجویان رابطه معناداری وجود

wnloaded from socialworkmag.ir on 2026-02-14]

دارد و سازگاری تحصیلی موجب ارتقاء عملکرد عمومی، احساس خوشبختی معنوی، خودکارآمدی، انگیزش پیشرفت، موفقیت تحصیلی و در نهایت باعث سازگاری اجتماعی افراد در حوزه‌های خارج از دانشگاه خواهد شد. [۲۰] همچنین مطالعات دیگری نیز نشان داده‌اند که حمایت اجتماعی تأثیر مثبتی بر سازگاری دارد. [۲۴-۲۱]

یکی از منابعی که به وقوع فرایند سازگاری و ابعاد آن کمک می‌کند، حمایت اجتماعی است. حمایت اجتماعی، مراقبت، محبت، عزت، تسلی و کمکی است که فرد از جانب سایر افراد یا گروه‌ها دریافت می‌کند. [۷] همچنین منبعی است که به افراد در کنار آمدن با تنیدگی و ایجاد سازگاری کمک می‌نماید. [۸]

شبکه‌های اجتماعی، حمایت‌هایی را که حامل محبت، همراهی و توجه اطرافیان است برای اعضای خود به وجود می‌آورند که گستره و شدت آن متناسب با گستردگی و شدت استحکام خود شبکه است. حمایت اجتماعی قابلیت ارتباط با دیگران است. حمایت دیگران تأمین کننده خدمات و اطلاعات عینی است که احساس مراقبت شدن، مورد حمایت واقع شدن، احترام گذاشتن و ارزشمند بودن را برای فرد فراهم می‌سازد که فرد احساس می‌کند در بخش قابل توجهی از مراودات اجتماعی قرار داشته و در یک تعهد دوجانبه شریک است. [۹] حمایت اجتماعی به‌ویژه در روابط زناشویی و خانوادگی می‌تواند بسیار مؤثر باشد.

از دیدگاه نظریه تأثیر مستقیم حمایت اجتماعی، حمایت اجتماعی برای سلامتی و تندرستی سودمند است و رابطه خطی بین کیفیت زندگی و حمایت اجتماعی وجود دارد. این الگو به الگوی عمومی حمایت اجتماعی نیز مرسوم است. طبق این الگو کمبود حمایت اجتماعی و یا فقدان آن به خودی خود فشارآور است؛ بنابراین حمایت اجتماعی در همه حال، اعم از وقوع حوادث تنش‌زا و غیر آن سودمند است. مطابق این الگو، حمایت اجتماعی به طریقه‌های مختلف مقاومت شخصی را افزایش می‌دهد. [۱۰] فلمینگ و باوم (۱۹۸۶) که از نظریه‌پردازان این مدل هستند، معتقدند افراد با حمایت اجتماعی بالا از سلامتی بیشتری بهره می‌برند. در واقع سلامتی افراد متأثر از میزان حمایت اجتماعی آنان است. [۱۱]

نظریه تأثیر غیرمستقیم که از قدیمی‌ترین نظریات درباره حمایت اجتماعی است، بیان می‌کند که حمایت اجتماعی عمدتا هنگامی که سطح استرس بالاست بر سلامت روانی اثر می‌گذارد. طبق این مدل، حمایت اجتماعی، افراد را در مقابل اثرات بیماری‌زای رویدادهایی که فشار روانی را تشدید می‌کنند، حفظ می‌کند. در واقع حمایت اجتماعی به افراد کمک می‌کند تا در برابر وقایع استرس‌زا واکنش‌های مثبت از خود نشان دهند. [۱۲]

از دیدگاه نظریه شبکه اجتماعی افراد بنا به درگیری‌هایی که با اجتماعات متفاوت دارند، پیوندهای اجتماعی خود را با دیگران تشکیل می‌دهند. در تئوری شبکه، جایگزینی ساختاری مبتنی برداشتن پیوند و وجود رابطه و بسط شبکه اجتماعی شخصی مورد تاکید است. در تئوری شبکه، وجود پیوندها و بسط آن‌ها در قالب اجتماعات شخصی منجر به یک حمایت اجتماعی می‌شود. حمایت اجتماعی حاصل از این شبکه‌ها، افراد را در برابر آسیب‌های روانی و جسمانی محافظت می‌کند. مصونیت افراد در آسیب‌های روانی و جسمانی تابع ویژگی‌های ساختاری شبکه‌هایی است که در آن درگیر هستند، لذا تغییر این ویژگی‌های ساختاری با میزان‌های حمایت اجتماعی و مصونیت پذیری در ارتباط است. [۱۳]

براساس تئوری انسجام اجتماعی، درگیری در اجتماعات موجود در جامعه پیامدهای مثبت را به همراه دارد. برعکس، عدم درگیری در این اجتماعات دارای پیامدهای منفی است. ادغام افراد در ساختارهای اجتماعی برای آن‌ها حمایت اجتماعی را فراهم می‌کند که در هنگام مواجهه با جریان‌های فشارزای روانی آن‌ها را از مصونیت برخوردار می‌کند. از این رو هرچه جایگیری افراد در ساختارهای اجتماعی، حمایتی بیشتر باشد آن‌ها بیشتر برخوردار از حمایت‌های اجتماعی حاصل از جایگیری در آن ساختارها هستند. جایگیری ساختاری که بیانگر میزان انسجام یافتگی است مصونیت افراد را در برابر آسیب‌پذیری‌های متفاوت افزایش می‌دهد. در تئوری انسجام اجتماعی افراد از طریق عضویت یا مشارکت در اجتماعات شبکه را تشکیل می‌دهند، اما در تئوری شبکه افراد از طریق پیوندهایی که با اعضای اجتماعات دارند شبکه‌های اجتماعی متفاوت خود را تشکیل می‌دهند. [۱۳]

wnloaded from socialworkmag.ir on 2026-02-14]

روش

این پژوهش، توصیفی-تحلیلی از نوع همبستگی بوده است. جامعه‌آماری پژوهش شامل همه زنانی است که از ابتدای سال ۱۳۹۳ به‌منظور تقاضای طلاق به دادگستری شهرستان پاوه مراجعه نموده‌اند و پرونده طلاق آنان تا زمان انجام پژوهش در دادگستری شهرستان پاوه در جریان بوده است.

حجم نمونه شامل تمام زنان متقاضی طلاق است که از ابتدای سال ۱۳۹۳ تا زمان شروع پژوهش (شش ماهه اول سال ۱۳۹۴ چهل و هفت متقاضی تا زمان انجام پژوهش. شهریور ماه ۱۳۹۴و سال ۱۳۹۳ شصت وسه متقاضی) به‌منظور تقاضای طلاق، به دادگستری شهرستان پاوه مراجعه نموده‌اند که از این تعداد، ۸۹ پرونده که در جریان بررسی در دادگستری قرار داشتند ۷۲ متقاضی که ملاک‌های ورود به مطالعه را داشتند (الف. مراجعه به دادگستری در بازه زمانی پژوهش. ب. توانایی خواندن و نوشتن) انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه همراه با مصاحبه حضوری استفاده شده است. پرسشنامه دموگرافیک توسط محقق و از طریق مصاحبه تکمیل شد و پرسشنامه‌های سازگاری زناشویی و حمایت اجتماعی در اختیار اعضای نمونه قرار گرفت و توسط آنان پاسخ داده شد.

پرسشنامه سازگاری دو نفره (زن و شوهر)-DAS: این مقیاس دارای ۳۲ سوال است و در سال ۱۹۷۶ توسط اسپانیر برای سنجش میزان سازگاری دو نفر (زن و شوهر) تهیه شد و تا سال ۱۹۸۴ در حدود هزار مطالعه به‌عنوان ابزار اصلی پژوهش مورد استفاده قرار گرفت. [۶] نمره‌ی کلی این مقیاس از صفر تا صد و پنجاه متفاوت است که برای افزایش اعتبار آن تعدادی از سئوالات به صورت مثبت و تعدادی به‌صورت منفی طراحی شده است. افرادی که نمره آن‌ها ۱۰۱ و یا کمتر از آن باشد از نظر اسپانیر (۱۹۷۶) دارای مشکل و ناسازگار تلقی می‌شوند. اسپانیر(۱۹۷۶) قابلیت اعتماد مقیاس را در سطح نمرات کلی ۹۶٪ و برای مقیاس‌های فرعی به ترتیب برای رضایت‌مندی دو نفره ۹۴٪، برای توافق دو نفره ۹۰٪، همبستگی دو نفره ۸۶٪ و برای ابراز محبت دو نفره ۷۳٪ مشخص نموده است. وی روایی محتوای این مقیاس را برای سنجش سازگاری زناشویی با استفاده از قضاوت متخصصان ۸۹٪ اعلام کرد و روایی ملاک را براساس تفاوتی که نمرات زوج‌های ناسازگار و زوج‌های دارای زندگی مشترک پایدار داشتند، محاسبه کرد و برآن اساس همبستگی ۸۶٪ به‌دست آورد. [۶]

در پژوهش ملازاده (۱۳۸۱) با اجرا در فاصله زمانی ۳۷ روز روی ۹۲ نفر از نمونه مورد بررسی، ضریب قابلیت اعتماد به روش بازآزمایی ۸۶٪ به‌دست آمد و آلفای کرونباخ پرسشنامه ۰/۸۹ تعیین شد. [۲۵] برای برآورد روایی با اجرای هم‌زمان این پرسشنامه و پرسشنامه سازگاری زناشویی لاک-والاس قابلیت اعتماد ۰/۷۵ [۲۶] ضریب قابلیت اعتماد برای ۷۶ نفر از زوج‌های مشابه با زوج نمونه ، ۰/۹ به‌دست آمد. در پژوهش حسن شاهی، نوری و مولوی (۱۳۸۲) اعتبار مقیاس سازگاری زن و شوهری اسپانیر، با استفاده از آلفای کرونباخ ۹۲٪ به‌دست آمد. [۲۷] اعتبار به‌دست آمده با روش آلفای کرونباخ در پژوهش درویزه و کهکی (۱۳۸۷) نیز ۹۴٪ است. [۶]

پرسشنامه حمایت اجتماعی فیلیپس-SSA: پرسشنامه حمایت اجتماعی (SS-A) توسط واکس، فیلیپس، هالی، تامپسون، ویلیامز و استوارت (۱۹۸۶) تدوین شده است. این پرسشنامه بر پایه نظریه کوب درباره حمایت اجتماعی قرار دارد. کوب حمایت اجتماعی را به میزان برخورداری از محبت، مساعدت و توجه اعضای خانواده، دوستان و سایر افراد تعریف کرده است. این پرسشنامه دارای ۲۳ سوال است که سه حیطه حمایت اجتماعی را می‌سنجد: خانواده (۸ ماده)، دوستان (۷ ماده) و سایرین (۸ ماده). [۲۸] این پرسشنامه برای اولین بار در ایران توسط ابراهیمی قوام (۱۳۷۱) مورد استفاده قرار گرفت. وی پژوهشی را بر روی ۱۰۰ دانشجو و ۲۰۰ دانش‌آموز ایرانی اجرا کرد و پایایی و روایی این ابزار را محاسبه کرد. ضریب پایایی درنمونه دانشجویی درکل مقیاس ۰/۹۰ و در نمونه دانش‌آموزی ۰/۷۰ به‌دست آورد. همچنین پایایی آزمون بازآزمون این پرسشنامه در دانش‌آموزان پس از شش هفته ۰/۸۱ بود. [۲۹] نادری، صفرزاده ومشاک (۱۳۹۰) این پرسشنامه را در یک نمونه ۱۶۰ نفری از زنان به‌کاربرده‌اند و آلفای کرونباخ ۰/۷۶ به‌دست آمده است. [۳۰] همچنین خباز، بهجتی و ناصری (۱۳۹۰) با مطالعه روی ۴۱۰ نوجوان پسر آلفای کرونباخ این پرسشنامه را ۰/۷۴ به‌!دست آورده‌اند. [۳۱]

توصیف و تحلیل داده‌های پژوهش با نرم افزار SPSS18 و با استفاده از روش‌های بررسی نرمال بودن توزیع متغیرها،

wnloaded from socialworkmag.ir on 2026-02-14]

مقایسه میانگین‌ها، تحلیل واریانس، تحلیل همبستگی، تحلیل رگرسیون و تحلیل چند متغیره در صورت برقراری شرایط انجام گرفته است.

مجوز اخلاقی این پژوهش توسط دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی صادر گردیده است. و در انجام پژوهش سعی شد تا ملاحظات اخلاقی لازم در حین انجـام پژوهش از قبیل محرمانه نگه داشتن اطلاعات، کسب رضایت آگاهانه و عدم تحمیل هرگونه آسـیب و ضرر جسمی و مالی به آزمودنی‌ها رعایت گردد.

یافته ها

میانگین سن زنان متقاضی طلاق در شهرستان پاوه ۲۸/۴ سال و میانگین سن همسران آن‌ها ۳۴/۴ سال می‌باشد. کمترین و بیشترین سن زنان متقاضی طلاق به ترتیب ۱۸ و ۴۰ سال می‌باشد و این مقادیر در مردان به ترتیب ۲۱ و ۵۸ سال است. میانگین سن ازدواج در جامعه مورد بررسی ۲۲/۴۴ و کمترین و بیشترین سن ازدواج به ترتیب ۱۵ و ۳۶ سال می‌باشد. از طرفی میانگین تفاوت سنی زوجین در جامعه مورد مطالعه ۵/۹۵ و میانگین مدت زندگی مشترک ۶/۰۲، کمترین تعداد فرزند صفر و بیشترین تعداد فرزند سه می‌باشد.

۶/۹ درصد از زنان مورد مطالعه درگروه سنی زیر بیست سال، ۵۴/۲ درصد درگروه سنی ۲۰ تا ۳۰ سال و ۳۸/۹ درصد درگروه سـنی ۳۰ تا ۴۰ سـال قرار دارند. ۳۶/۱ درصد از همسـران آن‌ها بین ۲۰ تا ۳۰ سـال، ۴۰/۳ درصد بین ۳۰ تا ۴۰ سـال و ۲۳/۶ درصد بیشتر از ۴۰ سال سن دارند. بالاترین درصد فراوانی سطح تحصیلات در زنان، دیپلم با ۴۴/۴ درصد می‌باشـد و این مقدار در مردان نیز با ۳۱/۹ درصد مربوط به دیپلم می‌باشد. کمترین سطح تحصیلات در زنان و مردان به ترتیب با ۴/۲ و ۸/۳ درصد فراوانی، ابتدایی می‌باشد.

میانگین حمایت اجتماعی در زنان متقاضی طلاق مراجعه کننده به دادگستری شهرستان پاوه ۱۵/۹۴ و کمترین و بیشترین مقدار حمایت اجتماعی در این جامعه به‌ترتیب ۹ و ۲۲ می‌باشـد. میانگین سـازگاری زناشـویی در جامعه مورد مطالعه ۷۴/۱۵ و کمترین و بیشترین مقدار سازگاری زناشویی به‌ترتیب ۵۲ و ۹۵ می‌باشد.

برای بررسی متغیرها از نظر نرمال بودن و تصمیم برای استفاده از آزمون‌های آماری، از آزمون کولموگروف-اسمیرنف اسـتفاده شـده است که با توجه به انحراف معیار ۳/۳۴ و آماره‌ی z ۰/۹۹ و سطح معناداری ۰/۲۷ برای حمایت اجتماعی و همچنین انحراف معیار ۱۱/۴۳ و آماره‌ی z ۰/۸۴ و سـطح معناداری ۰/۴۷ برای سـازگاری زناشویی، متغیرهای حمایت اجتماعی و سـازگاری زناشـویی دارای توزیع نرمال می‌باشـند، در نتیجه برای بررسـی ارتباط بین این متغیرها از آزمون همبستگی پیرسون استفاده می‌شود. از طرفی برای بررسی ارتباط بین متغیرهای جمعیت شناختی با حمایت اجتماعی و سازگاری زناشویی از آزمون‌های همبسـتگی پیرسون و اسپیرمن استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد:

– بین متغیرهای دموگرافیـک، تحصیلات و درآمد با حمایت اجتماعی رابطه معنادار مثبت وجود دارد.

– بین سن ازدواج، مدت زندگی مشترک، تعداد فرزند و درآمد همسر با سازگاری زناشویی ارتباط معنادار مثبتی وجود دارد.

– بین تحصیلات و درآمد با سازگاری زناشویی ارتباط معنادار معکوس وجود دارد. (جدول شماره ۱)

بررسـی ارتباط بین متغیرهای اصلی پژوهش: جدول شـماره ۲ نتایج آزمون رابطه بین حمایت اجتماعی و سازگاری زناشویی را نشان می‌دهد. همانطور که مشاهده می‌شود، با توجه به مقدار سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ فرضیه H0 رد و فرضیه وجـود رابطه تأیید می‌شـود. بنابراین ارتباط معنـادار مثبتی بین حمایت اجتماعی و سـازگاری زناشویی وجود دارد و با افزایش حمایت اجتماعی، سازگاری زناشویی افزایش می‌یابد و بالعکس.

جدول(۱) رابطه بین متغیرهای دموگرافیک با حمایت اجتماعی و سازگاری زناشویی

متغیر		حمایت اجتماعی	سازگاری زناشویی
سن	ضریب همبستگی پیرسون	-۰/۴	۰/۱۵
	سطح معناداری	۰/۶	۰/۱
سن همسر	ضریب همبستگی پیرسون	۰/۰۳	-۰/۲۱
	سطح معناداری	۰/۷۵	۰/۰۷
سن ازدواج	ضریب همبستگی پیرسون	-۰/۰۹	۰/۱۴**
	سطح معناداری	۰/۴۴	۰/۰۱
مدت ازدواج	ضریب همبستگی پیرسون	۰/۰۶	۰/۳۳**
	سطح معناداری	۰/۷۷	۰/۰۰۴
تعداد فرزند	ضریب همبستگی پیرسون	-۰/۱۲	۰/۲۶*
	سطح معناداری	۰/۳۱	۰/۰۲
تحصیلات	ضریب همبستگی اسپیرمن	۰/۴۰**	-۰/۳۶**
	سطح معناداری	۰/۰۰۲	۰/۰۰۸
تحصیلات همسر	ضریب همبستگی اسپیرمن	۰/۱۸	-۰/۰۲
	سطح معناداری	۰/۱۲	۰/۰۸
درآمد	ضریب همبستگی اسپیرمن	۰/۲۸*	-۰/۳۳*
	سطح معناداری	۰/۰۱	۰/۰۴
درآمد همسر	ضریب همبستگی اسپیرمن	۰/۲۱	۰/۱۴*
	سطح معناداری	۰/۰۷	۰/۰۲

* ارتباط در سطح ۰/۰۵ معنادار است. ** ارتباط در سطح ۰/۰۱ معنادار است.

wnloaded from socialworkmag.ir on 2026-02-14]

همچنین رابطه بین خرده مقیاس‌های حمایت اجتماعی با سازگاری زناشویی بررسی گردید و نتایج نشان داد که بین حمایت اجتماعی دوستان و سایرین با سازگاری زناشویی ارتباط معنادار مثبتی وجود دارد اما بین حمایت اجتماعی خانواده با سازگاری زناشویی ارتباط معناداری مشاهده نشد. (جدول شماره ۳)

برای تبیین متغیر وابسته (سازگاری زناشویی) و تعیین سهم متغیر حمایت اجتماعی و متغیرهای جمعیت شناختی (سن، سن همسر، سن ازدواج، مدت زندگی مشترک، تعداد فرزند)، از تحلیل رگرسیون چندمتغیره استفاده شده است. با توجه به اینکه P- value از ۰/۰۱ کوچکتر است بنابراین رگرسیون معنادار است. نتایج حاصل از رگرسیون نشان داد که متغیرهای حمایت اجتماعی و مدت زندگی مشترک توان تبیین تغییرات سازگاری زناشویی را دارند. میزان ضریب تعیین ۰/۱۶ می‌باشد که نشانگر آن است که حمایت اجتماعی و مدت زندگی مشترک با هم ۱۶ درصد از تغییرات سازگاری زناشویی را تبیین می‌کنند. (جدول شماره ۴)

جدول شماره ۵ نشان می‌دهد که سهم متغیر حمایت اجتماعی در تبیین سازگاری زناشویی ۲۳/۳ درصد و سهم مدت زندگی مشترک۳۴/۶ درصد می‌باشد. معادله خطی رگرسیون جهت پیش بینی میزان سازگاری زناشویی براساس دو متغیر حمایت اجتماعی و مدت زندگی مشترک بدین صورت است:

(مدت‌زندگی‌مشترک×۰/۳۴۶)+(حمایت‌اجتماعی×۰/۲۳۳)+۶۵/۸۸=سازگاری‌زناشویی

ارقام مندرج در معادله به این معناست که با افزایش یک واحد انحراف استاندارد حمایت اجتماعی میزان سازگاری زناشویی به اندازه ۰/۲۳۳ انحراف استاندارد افزایش می‌یابد و با افزایش یک واحد در میزان مدت زندگی مشترک، شاهد افزایش ۰/۳۴۶ انحراف استاندارد در سازگاری زناشویی هستیم.

جدول(۲) رابطه بین حمایت اجتماعی و سازگاری زناشویی

آزمون آماری	حمایت اجتماعی/ سازگاری زناشویی
ضریب همبستگی پیرسون	۰/۲۲*
سطح معناداری	۰/۰۴
تعداد پاسخگویان	۷۲

* ارتباط در سطح ۰/۰۵ معنادار است.

جدول(۳) رابطه بین خرده مقیاس‌های حمایت اجتماعی با سازگاری زناشویی

سازگاری زناشویی	حمایت اجتماعی خانواده	حمایت اجتماعی دوستان	حمایت اجتماعی سایرین
ضریب همبستگی پیرسون	-۰/۱۲	۰/۳۱**	۰/۲۴*
سطح معناداری	۰/۳۱	۰/۰۰۸	۰/۰۳

*ارتباط در سطح ۰/۰۵ معنادار است. ** ارتباط در سطح ۰/۰۱ معنادار است.

جدول(٤) تحلیل رگرسیون چند متغیره

روش ورود متغیرها: گام‌به‌گام	Method: stepwise
ضریب همبستگی چندگانه	R=۰/۴۱۰
ضریب تعیین	R^2=۰/۱۶۸
ضریب تعیین تعدیل یافته	R^2.adj=۰/۱۴۴
خطای معیار	S.E=۱۰/۵۷۷
سطح معناداری	Sig=۰/۰۰۲

جدول(۵) ضرایب رگرسیونی متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته

متغیرهای مستقل	B	Beta	S.E	T	sig
مقدار ثابت	۶۵/۸۸	-	۶/۲۳	۱۰/۵۷	۰/۰۰۳
حمایت اجتماعی	۰/۷۹	۰/۲۳۳	۰/۳۷	۲/۱۱	۰/۰۳
مدت زندگی مشترک	۰/۷۳	۰/۳۴۶	۰/۲۳	۳/۱۴	۰/۰۰۲

بحث و نتیجه گیری

هدف اصلی در این پژوهش شناسایی رابطه بین حمایت اجتماعی و سازگاری زناشویی در زنان متقاضی طلاق مراجعه کننده به دادگستری شهرستان پاوه بوده است. نتایج این مطالعه نشان داد که فرضیه اصلی با توجه به ضریب همبستگی پیرسون و سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ تأیید می‌شود. بدین معنا که بین حمایت اجتماعی و سازگاری زناشویی ارتباط معنادار مثبت وجود دارد و با افزایش حمایت اجتماعی، سازگاری زناشویی نیز افزایش می‌یابد و بالعکس. همچنین نتایج رگرسیون چند متغیره نشان داد که حمایت اجتماعی قدرت تبیین سازگاری زناشویی را دارد.

نتیجه این مطالعه با پژوهش‌های دیگر در این زمینه همسو می‌باشد. [۳۷-۳۲] جوهری (۱۳۹۲) در مطالعه خود نشان داد که بین حمایت اجتماعی با سازگاری زناشویی رابطه معنادار مثبت وجود دارد و حمایت اجتماعی می‌تواند سازگاری زناشویی را پیش‌بینی کند. [۳۲] مقصودی، موسوی نسب و بازمانده (۱۳۹۳) نشان دادند که انواع حمایت‌های اجتماعی و عشق ورزی قدرت پیش‌بینی سازگاری زناشویی در بین زنان شاغل در ادارات دولتی شهر کرمان را دارند. همچنین

wnloaded from socialworkmag.ir on 2026-02-14]

دو متغیر حمایت اجتماعی و عشق ورزی در یک ترکیب خطی به‌طور توأم می‌توانند مقدار ۱۳ درصد از واریانس متغیر سازگاری زناشویی را تبیین کنند. [۳۳]

رابطه بین متغیرهای جمعیت شناختی با حمایت اجتماعی: از بین متغیرهای جمعیت شناختی بررسی شده در این پژوهش، بین تحصیلات و درآمد با حمایت اجتماعی رابطه معنادار مثبت وجود دارد. یعنی هرچه سطح تحصیلات و میزان درآمد بالاتر باشد حمایت اجتماعی نیز بیشتر است و بالعکس. در راستای تبیین این نتیجه مقصودی و همکاران (۱۳۹۳) در مطالعه خود نشان دادند که از بین متغیرهای دموگرافیک درآمد و تحصیلات همسر با حمایت اجتماعی ارتباط معنادار وجود دارد، [۳۳] که ارتباط درآمد و حمایت اجتماعی پژوهش مذکور با این پژوهش همسو، اما رابطه تحصیلات همسر با حمایت اجتماعی با این پژوهش همسو نمی‌باشد. این نتیجه با نظریه شبکه اجتماعی قابل توجیه است چرا که با افزایش تحصیلات و درآمد، ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های افراد توسعه یافته و آنان بیشتر قادر خواهند بود تا پیوندهای اجتماعی را در شبکه‌های اجتماعی ایجاد نمایند و همچنین توانایی ادغام بیشتر در ساختارهای اجتماعی را خواهند داشت که این خود منجربه افزایش حمایت اجتماعی و نهایتاً ارتقاء سلامت و کیفیت زندگی در بین افراد می‌گردد.

رابطه بین متغیرهای جمعیت شناختی با سازگاری زناشویی: بین سن ازدواج، مدت زندگی مشترک، تعداد فرزند و درآمد همسر با سازگاری زناشویی ارتباط معنادار مثبت وجود دارد و بین تحصیلات و درآمد با سازگاری زناشویی ارتباط معنادار منفی وجود دارد. نتایج فوق از نظر ارتباط مستقیم بین سن ازدواج و سازگاری زناشویی با پژوهش غیاثی، معین و روستا (۱۳۸۹) همسو و از نظر ارتباط معکوس بین تحصیلات، مدت زندگی مشترک و تعداد فرزند غیرهمسو با آن می‌باشد. غیاثی، معین و روستا (۱۳۸۹) طی پژوهش خود دریافتند که متغیرهای تحصیلات زن و سن ازدواج با گرایش به طلاق زنان رابطه معنادار و مستقیم دارند و متغیرهای مدت زندگی مشترک و تعداد فرزند رابطه معنادار معکوس دارند. [۳۸] همچنین با پژوهش سیف علیان (۱۳۹۰) غیر همسو می‌باشد. سیف علیان (۱۳۹۰) در مطالعه خود به این نتیجه رسید که بین فاصله سنی و درآمد با سازگاری زناشویی رابطه معناداری وجود دارد اما بین سن، جنس، تحصیلات، مدت ازدواج و تعداد فرزندان با سازگاری زناشویی رابطه معناداری مشاهده نکرد. [۳۹] دهقانی (۱۳۹۱) نشان داد که بین میانگین نمره کل سازگاری زناشویی زنان شاغل و غیرشاغل تفاوت معناداری وجود دارد، [۴۰] اما در پژوهش حاضر ارتباطی بین وضعیت اشتغال و سازگاری زناشویی مشاهده نشد. نتایج به‌دست آمده از نظر ارتباط معنادار بین تعداد فرزند با سازگاری زناشویی همسو با پژوهش بهارلو (۱۳۹۰) می‌باشد. در پژوهش مذکور سازگاری زناشویی اقوام مورد مطالعه براساس متغیر تعداد فرزند، دارای تفاوت معنادار بود. [۴۱] مطالعه مقصودی، موسوی نسب و بازمانده (۱۳۹۳) نشان داد که از بین متغیرهای دموگرافیک درآمد و تحصیلات همسر با سازگاری زناشویی رابطه معناداری وجود دارد. در این مطالعه بین وضعیت اشتغال با سازگاری زناشویی رابطه معناداری مشاهده نشد، [۳۳] درحالیکه ادوارد و فولر (۱۹۹۲) نتیجه گرفتند که اشتغال زنان بر زندگی زناشویی مؤثر است به گونه‌ای که عدم ثبات زندگی زناشویی را افزایش می‌دهد. [۴۲] گراهام و همکاران (۲۰۰۴) در پژوهش خود نشان دادند که سازگاری زناشویی زنان بدون فرزند نسبت به زنان دارای فرزند بالاتر است درحالیکه یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که داشتن فرزند بیشتر افزایش سازگاری زناشویی را درپی دارد. این تفاوت‌ها می‌تواند ریشه در مسائل فرهنگی و اجتماعی اقوام مختلف داشته باشد. [۳۵]

رابطه بین حمایت اجتماعی با سازگاری زناشویی: نتایج به‌دست آمده ارتباط معناداری را بین حمایت اجتماعی خانواده با سازگاری زناشویی نشان نمی دهد. این نتیجه با سایر پژوهش‌ها غیرهمسو است. [۳۳، ۴۳، ۴۴، ۴۵] آخوندی (۱۳۸۶) در مطالعه خود نشان داد که بین حمایت ادراک شده از خانواده با سازگاری اجتماعی ارتباط معناداری وجود دارد. نتایج وی همچنین نشان داد که خانواده مهمترین منبع حمایت اجتماعی است و با کلیه سطوح سازگاری اجتماعی ارتباط مثبت دارد. [۴۳] با توجه به جوان بودن افراد شرکت‌کننده در این پژوهش (میانگین سن ۲۸/۴) معنادار نبودن این رابطه می‌تواند نشان دهنده این باشد که خانواده نتوانسته است نیازهای حمایتی (عاطفی و ارزشی) افراد را پاسخگو باشد لذا افراد در جستجوی نیازهای حمایتی خود در جایی دیگر (مثلا گروه دوستان و یا سایر شبکه‌های

wnloaded from socialworkmag.ir on 2026-02-14]

اجتماعی) بوده‌اند. دلایل متعددی برای این موضوع می‌تواند وجود داشته باشد به‌عنوان مثال می‌توان به شکاف بین نسلی در شهرستان پاوه و یا سایر مؤلفه‌های فرهنگی و اجتماعی منطقه که بر ساختارها و کارکردهای خانواده اثر می‌گذارد، همچنین به تغییر نگرش‌های جوانان در منطقه اشاره داشت.

نتایج به‌دست آمده در این تحقیق نشان می‌دهد که بین حمایت اجتماعی دوستان با سازگاری زناشویی ارتباط معنادار مثبتی وجود دارد. این یافته با سایر پژوهش‌ها همسو می‌باشد. [۳۳، ۳۹، ۴۳، ۴۵، ۴۷] سیف علیان (۱۳۹۰) در مطالعه‌ای به این نتیجه رسید که بین گستردگی و عمق روابط بین زوجین با سازگاری زناشویی ارتباط مستقیم وجود دارد اما بین گستردگی و عمق رابطه برون گروهی با سازگاری زناشویی ارتباط به‌صورت غیرمستقیم می‌باشد. [۳۹]

نتایج به‌دست آمده نشان می‌دهد که بین حمایت اجتماعی سایرین با سازگاری زناشویی ارتباط معنادار مثبتی وجود دارد. کافمن و همکاران (۲۰۱۰) در مطالعه خود تحت عنوان "بررسی رابطه حمایت اجتماعی و رضایت از زندگی" نشان دادند که حمایت اجتماعی ۳۲ درصد از واریانس رضایت از زندگی را تبیین می‌کند. حمایت اجتماعی به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر مکانیسم‌های شناختی، استراتژی‌های مقابله‌ای و رفتارهای مختلف افراد اثر می‌گذارد و از این طریق سبب بهبود سلامت و رضایت از زندگی می‌شود. نظریه‌های تأثیر مستقیم و تأثیر غیرمستقیم حمایت اجتماعی به‌خوبی می‌تواند این مهم را تایید نماید. [۴۸]

به‌طور کلی با توجه به ارتباط معنادار مثبت بین حمایت اجتماعی و سازگاری زناشویی در بین زنان متقاضی طلاق در این پژوهش می‌توان نتیجه‌گیری نمود که در صورت دریافت حمایت اجتماعی بیشتر، زنان دارای سازگاری زناشویی بالاتری خواهند بود. بنابراین طراحی و اجرای مداخلات مددکاری اجتماعی در قالب روش‌های فردی و گروهی در حوزه زنان و خانواده‌ها با تاکید بر افزایش حمایت اجتماعی، شبکه‌های اجتماعی و یادگیری استراتژی‌های مقابله مبتنی بر افزایش حمایت‌های اجتماعی می‌تواند به افزایش سازگاری زناشویی بیشتر در بین زنان منجر گردد. همچنین این مطالعه نشان داد که متغیرهای سن ازدواج، مدت زندگی مشترک، تعداد فرزند، تحصیلات و میزان درآمد با سازگاری زناشویی دارای ارتباط معنادار هستند. بدین ترتیب شایسته است تا در حوزه سیاست‌گذاری رفاه اجتماعی در بخش‌های زنان و خانواده برتاثیر این متغیرها تاکید شده و در زمینه برنامه‌ریزی‌های رفاه اجتماعی به آن‌ها توجه خاص شود. به‌عنوان مثال بر اساس نتایج این مطالعه، بین سن ازدواج، مدت زندگی مشترک، تعداد فرزند و درآمد همسر با سازگاری زناشویی ارتباط معنادار مثبتی وجود دارد. بر این اساس می‌توان در سیاست‌های رفاه اجتماعی به توسعه و گسترش برنامه‌های آموزشی، مشاوره‌ای و مددکاری اجتماعی با رویکردهای پیشگیرانه در حوزه رفاه خانواده و زنان توجه کرده و در این زمینه برنامه‌ریزی نمود. از طرفی بین تحصیلات و درآمد با سازگاری زناشویی ارتباط معنادار معکوس وجود دارد. بنابراین توجه به ارتقاء سطح تحصیلات در زنان و افزایش درآمد آنان خود می‌تواند به کاهش ناسازگاری‌های زناشویی بیانجامد. بنابراین توجه به ارتقاء وضعیت اقتصادی، اجتماعی زنان در جامعه از طریق افزایش فرصت‌های برابر و دسترسی به منابع و امکانات در جامعه از موارد دیگری است که نتایج این پژوهش در حوزه سیاست‌گذاری رفاه اجتماعی بر آن تاکید می‌نماید.

محدودیت‌ها

این پژوهش با محدودیت‌هایی نیز مواجه بوده است. با توجه به اینکه آمار و اطلاعات می‌بایست از دادگستری به‌ویژه در زمینه خانواده کسب گردد، هماهنگی با دادگستری و جلب همکاری آنان، محدودیت‌هایی را ایجاد می نمود. حجم زیاد پرسشنامه‌ها و تعداد زیاد سئوالات و از یک سو و محدودیت زمانی افراد در دادگستری از دیگر محدودیت‌هابود. همچنین مشغله‌های ذهنی افراد و اضطراب موقعیتی آنان نیز بی‌تأثیر نبود. کمبود پژوهش‌های انجام شده توسط مددکاران اجتماعی در زمینه موضوع مورد مطالعه، محقق را در جمع‌آوری اطلاعات با محدودیت‌هایی مواجه نمود.

wnloaded from socialworkmag.ir on 2026-02-14]

پیشنهادات

این مطالعه، انجام پژوهش‌هایی در زمینه سازگاری زناشویی و علل و عوامل موثر بر آن ، در باره حمایت اجتماعی با توجه به تأثیر آن برسازگاری زناشویی، همچنین پژوهش‌های مداخله‌ای درمورد سازگاری زناشویی با هدف کاهش طلاق و آسیب‌های ناشی از آن را پیشنهاد می‌نماید.

منابع

References:

1- Kuper, A.B.Kuper, J. The social Science Encyclopedia. London: Routledg. 1998.

2- Fakhraei, S. &Hekmat, Sh. Effective Social Factors on Intensity of Divorce Application by Women in Sardasht City. Journal of Women and Family Studies. 2010, 2 (7): p. 103- 120. [Persian]

3- Yoosefi, N. Comparison of the effectiveness of family therapy based on schema therapy and Bowen's emotional system therapy on the early maladaptive schema among divorce applicant clients. Journal of Fundamentals of Mental Health. 2011, 13 (14): p. 356-373. [Persian]

4- Statistical Yearbooks in 1986, 1996, 2006, 2011, 2012, 2013. Retrieved from Statistical Center of Iran.

5- Chen, Z. Tanaka, N. Uji, M. Hiramura, H. & Shikai, N. The role of personalities in marital adjustment of Japanese couples. Journal of Social Behavioral and Personality. 2007, 35(4): p. 561 – 572.

6- Arabiyan, F. (Dissertation). Assessing the association between Relational Believes and Dyadic Adjustment among Middle and High School Teachers in Aran and Bidghol Cities. Tehran: University of Social Welfare and Rehabilitation Sciences, 2010.

7- Sarafino, E. P. Health Psychology: Biopsychosocial Interactions. Translated by a group of translators, Tehran: Roshd Publication. 2005. [Persian]

8- Yang, H. & Farn, C. An investigation of the factors affecting MIS student burnout in technical vocational college. Journal of Computers in Human Behavior. 2005, 21: p. 917 – 932.

9- Sedghpour, B. S. Asadi, M. Miri, M. N. The Relationship between Fundamental Needs and Social Support in Students' Educational, Social, and Emotional Adjustment. Psychological Scientific and Research Journal. 2010, 56: p. 401-416. [Persian]

10- Alavi, Z. (Dissertation). Assessing the Relationship between Perceived Social Support and Risk among University Students in Gonabad City. Tehran: University of Social Welfare and Rehabilitation Sciences, 2013.

11- Fleming, P. & Baum, A. Social support and buffering effect of friendships. Journal of Human Stress. 1986, 8 (3): p. 14 – 22.

12- Mohseni Tabrizi, A. & Razi, A. Relationship between social support and mental health among Tehran University students. Quarterly Journal of Youth Studies. 2007, 10, 11: p. 88-96. [Persian]

13- Ghodsi, A.M. (Dissertation). Assessing Sociological Relationship between Social Support and Depression. Tehran: Tarbiat Modares University, 2003.

14- Foroghanfar, M. (Dissertation). The Relationship between Problem – solving Techniques and Dyadic Adjustment among Married Students in Shahid Beheshti University. Tehran:ShahidBeheshti University, 2006.

15- Aminiha, A. (Dissertation). The Relationship between Emotional Intelligence and Dyadic Adjustment. Tehran: Azahra University, 2005.

16- Masomi, R. (Dissertation). The Relationship between Psychological Hardiness and Dyadic Adjustment among High School Teachers in Shiraz. Tehran: Allameh Tabatabae'i University, 2010.

17- White, N. & Hastings, R.P. Social and Professional Support for Parents of Adolescents with Sever Intellectual Disabilities. Journal of Applied Research in Intellectual Disabilities. 2004, 17: p. 181 – 190.

18- Salovita, T. Italinna, M. & Leinonen, E. Explaining the parental stress of fathers and mothers caring for a child with intellectual disability: a double ABCX model. Journal of Intellectual Disability Research. 2003, 47: p. 300 – 312.

19- Halamandaris, K.F. & Power, K.G. Individual differences, social support and coping with the examination stress: a study of the psychological and academical adjustment of first year home students. Journal of Personality and Individual Differences. 1999, 26: p. 665 – 685.

wnloaded from socialworkmag.ir on 2026-02-14]

20- Winter, M.G.B. Dilouya, S.M. Pancer, M.W. Pratt, S. Birnie-lefcowith, J. Polivy, S & Gerald A. Academic achievement in first year university who maintains their high school average. Journal of Higher Education and Educational Planning. 2011, 62(4): p. 467-481.
21- Hong, A.S. & Winger, C.J. A professional support program for families of handicapped preschoolers: decrease in maternal stress. Journal of Primary Prevention. 1997, 17: p. 285 – 296.
22- Weiss, M.J. Hardiness and social support as predictors of stress in mothers of typical children, children with autism and children mental retardation. Journal of Autism. 2002, 6: p. 115 – 130.
23- Holland, K.D. & Holahan, C.K. The relation of social support and coping to positive adaption to breast cancer. Journal of Psychology and Health. 2003, 18: p. 15 – 29.
24- Bromeley, J. Hare, D.J. Davison, K. & Emerson, E. Mothers supporting children with autism spectrum disorders, social support, mental health status and satisfaction with services. Journal of Autism. 2004, 8: p. 409 – 423.
25- Mollazadeh, J. Mansour, M., Ezhehei, J. & Kiyamanesh, A. Coping strategies and dyadic adjustment in children of martyrs. Journal of Psychology. 2002, 6 (3): p. 255-275. [Persian]
26- Khodapanahi, M.K. (Dissertation). Assessing the Role of Agitation in Consolidation of Spousal Relationship. Tehran: Tarbiat Modares University, 1995.
27- Hasan Shahi, M. Nouri, A. & Moulavi, H. The relationship between locus of control and dyadic adjustment among employed spouses in Shiraz educational system. Psychological Researches Journal. 2003, 7 (2): p.61-51. [Persian]
28- Phillips, J. Vaux, A. Holley, L. Thompson, B. Villiams, D. & Stewart, D. The social support appraisals (SSA) scale: studies of reliability and validity. American Journal of Community Psychology. 1986, 14 (1): p.195 – 219.
29- Ebrahimi Ghavam, S. (Dissertation). Assessing the Validity of three Concepts: Control, Self- esteem, and Social Support. Tehran: Islamic Azad University, 1992.
30- Naderi, F. Safarzadeh, S. & Moshak, R. Comparison of haypochondriasis, social support, social avoidance and distress and general health among mothers with intellectual disability children and normal children. Journal of Health & Psychology. 2011, 1: p. 15-41. [Persian]
31- Khabaz, M. Behjati, Z. & Naseri, M. The Association between Social Support and Coping Strategies with Resilience in Male Youths. Applied Psychology Journal. 2011, 5 (4): p. 108- 123. [Persian]
32- Johari, J. (Dissertation). Relationship between hardiness, perceived stress, and social support with dyadic adjustment. Kermanshah: Razi University, 2013.
33- Maghsodi, S. Mosavinasab, M.H. & Bazmandeh, T. Assessing the relationship between social support, and adoration with dyadic adjustment among employed women in governmental offices in Kerman. First National Conference on Research & Development in the Third Millennium. 2014. Aliabad Katol: Islamic Azad University.
34- Qadir, F. Khalid, A. Haqqani, S. Huma, Z.E. & Medhin, G. The association of marital relationship and perceived social support with mental health of women in Pakistan. BMC Public Health. 2013, 13: p.1150. DOI: 10.1186/1471-2458-13-1150.
35- AL-Krenawi A. & Graham, J.R. Somatization among Bedouin-Arab women. Journal of Divorce & Remarriage. 2004, 42: p. 131-143.
36- Tramonti, F. Gerini, A. Stampacchia, G. Relationship quality and perceived social support in persons with spinal cord injury. European Health Psychologist, 2015, 53(2): p. 120-124, doi: 10.1038/sc.2014.229.
37- Mert, A. İskender, M. Systemic family oriented program of psycho-education, effect of values of spouses and perceived social support on dyadic adjustment. International Journal of Human and Behavioral Science, 2015, 1 (3): P. 1-12.
38- Ghiyasi, P. Moein, L. & Rousta, L. Assessing the social causes on tendency to divorce among women applicants in Shiraz family court. Quarterly Journal of Women & Society. 2010, 1(3): p. 77-103. [Persian]
39- Seif Oliyan, S. (Dissertation). Assessing Dyadic Adjustment/ Unadjustment and Effective Factors on it among University Teachers in Semnan. Payam Nour University, 2011.
40- Dehghani, F. (Dissertation). Comparing Intimacy and Dyadic Adjustment among Employed and Un-

wnloaded from socialworkmag.ir on 2026-02-14]

employed Women in Shiraz. Marvdasht: Islamic Azad University, 2012.
41- Baharlou, Gh. (2010). Assessing the Relationship between Marriage Functioning and Dyadic Adjustment and Comparing them between Fars, Bakhtiyari and Kord Peoples. Esfehan: Esfehan University, 2010.
42- Edward, J .N.& Fuller, S.S. Female employment and marital instability: evidence from Thailand. Journal of Marriage and the Family. 1992, 54(1): P. 59 – 68.
43- Akhondi, A. (Dissertation). Assessing the Association between Social Support and Social Adjustment among Students in Tehran. Tehran: Tarbiat Modares University, 2007.
44- Cecilia, Z.M. & Belgrave, F. Stress social support and college adjustment among Latino students. Cultural Diversity and Mental Health. 2007, 2(3): p. 193 – 203.
45- Bodur, N.E. Çoşar, B. Karabacak, O. Relationship between perceived social support and clinical variables in infertile couples. Cukurova Med J, 2013, 38(2): P. 214-223. Doi: 10.5455/cutf.25586.
46- Abdifard, S. (Dissertation). Assessing the Relationship between Social Support and Internal Control Resource with Master's Students' Adjustment in Mashhad University. Tehran: TarbiatMoalem University, 2009.
47- Amato, P.R. Rogers, S.J .A longitudinal study of marital problems and subsequent divorce. Journal of Marriage and the Family. 1997, 59: p. 612 – 624.
48- Taniguchi, H. & Kauffman, G. Gender role attitudes, troubles and personal relationships. Journal of Social and Personal Relationships. 2010, Doi: 10.1177/0265407513516559.

wnloaded from socialworkmag.ir on 2026-02-14]